



دکتر احمد ذاکری

# عبداللہ

سبک فرو پسندگی  
زندہ یاد  
جلال آل احمد



آدمه زید  
جلال احمد  
بارکشت از شوروی



مآخذ های زین



دستپوش  
قشور باز



سبک بررسی کالبد و بافت اندامها و فراداشته‌های یک اثر را پس می‌گیرد. به تعریفی دیگر سبک با «برونساخت و درونمایه» یک اثر سروکار دارد.

در بررسی کالبد یک نوشته و بافت اندامهای آن؛ اندازه نوشته، واژگان و شیوه پیوند آنها «نحو» مورد توجه قرار می‌گیرد. و در بررسی درونمایه یک نوشته، به نوع ادبی و موضوع و مفهومی که در بر دارد، پرداخته می‌شود. سبک هر نویسنده در حقیقت اثر انگشت و نشانه شخصیت هنری اوست که با دیگران تفاوت دارد. در زبان و ادبیات فارسی برای اثر سبک‌هایی را شناسایی و معرفی کرده‌اند. نخستین بار مرحوم محمدتقی، ملک‌الشعراى بهار، در بررسی تطور اثر فارسی معتقد به وجود شش دوره و چهار سبک به ترتیب ذیل گردید:

۱- دوره سامانی (۳۰۰-۴۵۰) هجری، نثر مرسل.

۲- دوره غزنوی و سلجوقی اول (۴۵۰-۵۵۰) هجری، نثر بینابین.

۳- دوره سلجوقی دوم و خوارزمشاهیان (۵۵۰-۶۰۰) هجری، نثر فنی.

۴- دوره سبک عراقی و نثر صنعتی (۶۰۰-۱۲۰۰) هجری.

۵- دوره بازگشت ادبی (۱۲۰۰-۱۳۰۰) هجری، نثر فنی و بینابین.

۶- دوره ساده‌نویسی (۱۳۰۰ تا به امروز).<sup>۱</sup>

استاد و پژوهنده ارجمند دیگری سبک‌های نثر فارسی را به ترتیب چنین برمی‌شمارد:

۱- نثر محاوره ۲- نثر خطابه ۳- نثر مرسل ۴- نثر فنی.<sup>۲</sup>

برای هر یک از سبک‌های پیش یاد شده می‌توان سبک‌های فرعی دیگری را مشخص کرد؛ برای نمونه، سبک نثر فنی دارای دو مرحله فنی مستمع و مصنوع متکلف است و همچنین سبک محاوره‌ای نیز دربر دارنده دو سبک فرعی محاوره‌ای ساده و محاوره‌ای شکسته است.

کمی پیشتر از دوره مشروطیت و پس از آن نثر فارسی ناگزیر بود همسوی با خواسته‌ها و نیاز روزگار خود ساده گردد. پیدایش روزنامه، کتابهای درسی در رشته‌های مختلف علمی، ترجمه و... به این امر دامن می‌زد، لذا در این دوره نثر فارسی برای دومین بار به سادگی گرایید که میرزا فتحعلی آخوندزاده، عبدالرحیم طالبوف، حاج زین‌العابدین مراغه‌ای، میرزا صالح شیرازی - میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله، فرهاد میرزا، میرزا آقاخان کرمانی و دهخدا از پیشروان آن بودند.<sup>۳</sup> دومین نثر ساده فارسی به زودی تحولی تازه را پذیرا شد. محمد علی جمالزاده، پدر نثر نوین فارسی، با نوشتن کتاب یکی بود یکی نبود سبکی نو را که همان سبک محاوره‌ای باشد؛ در زبان فارسی پی‌ریزی کرد؛ به قول آرتین پورن «این مجموعه که عنوان خود را از قلمه کلام قصه‌سرایان ایرانی گرفته و اولین کتابی بود که برخلاف عادت به زبان محاوره معمولی نوشته شده بود، ولوله و غوغایی در ایران برپا کرد»<sup>۴</sup>

به دنبال جمالزاده پاره‌ای نویسندگان این روزگار: صادق هدایت، صادق چوبک، بزرگ علوی، احمد محمود، جلال آل‌احمد، محمود دولت‌آبادی و... به همین سبک قلم زدند و نوشته‌هایی به یادگار نهادند. اینان فرزندان خلف محمدعلی جمالزاده، پدر نثر محاوره‌ای، به‌شمار می‌روند.

نثر محاوره‌ای چیست؟ دکتر حسین خطیبی بهترین شناخت را درباره نثر محاوره‌ای به دست می‌دهد که چکیده آن چنین است: «این نوع نثر فاقد ویژگی‌های نظم و شعر است، در نگارش آن در گزینش لفظ و بیان معنی ضابطه و قاعده‌ای وجود ندارد؛ نویسنده هر واژه و تعبیری را که زبان محاوره در دسترس او می‌گذارد؛ به کار می‌برد. جمله‌ها نیز بانظمی بسیار ساده و ابتدایی، در رشته سخن جای می‌گیرد. هدف این نوع نثر آن است که مقصود را به ساده‌ترین شکل و با فصاحت و بلاغتی عامیانه بیان کند»<sup>۵</sup>.

به عبارت ساده و خلاصه‌تر، نثر محاوره‌ای همان نثر روایی است که هیچگونه فن ادبی و گزینش و دقتی در نگارش آن به کار نمی‌رود.

### ویژگی‌های نثر محاوره‌ای جلال

۱- از دیدگاه قالب و کالبد: از این بابت نوشته‌های آل‌احمد به دو دسته جدا از هم تقسیم می‌شود:

الف: گزارش‌ها و مقاله‌ها: ب: قصه‌ها. می‌توان مورد الف را نیز به دو بخش: گزارش و سفرنامه‌های جغرافیایی و سیاسی و مقاله‌های تربیتی و آموزشی تقسیم کرد؛ برای نمونه اودزان، نام‌نشینهای بلوکه‌زهر، در بیم علیخ - جزیره خارک، گزارش‌های مشاهده‌ای و خسی در میقات، هفت مقاله، سه مقاله دیگر، فرزندگی، کازنامه سه‌ساله، اوزبایی شایده، یک چاله و دو چاه، در خدمت و حیانت روشنفکران.

این نوع مقاله‌هاست، در قصه‌نویسی نیز می‌توان کارهای جلال را از دیدگاه قالب به دو دسته تقسیم کرد: الف: داستانهای نیمه‌بلند که چیزی نزدیک به «رمان» باشد، مانند: مدیر مدرسه و غریب زمین و داستانهای کوتاه با عنوان مجموعه داستانها مانند: پنج داستان، دید و بازدید و از نسبی که می‌رویم. در این نوع از آثار، جلال از سبک واقعگرایی برخوردار است.

در مقایسه کالبد و اندازه‌های داستانهای جلال، گاهی به داستانهای تمثیلی برمی‌خوریم که اروپاییان از آن با عنوان قالب کوتاه یاد می‌کنند، مانند: داستان کندوها، نون واقلم. روی هم رفته در سبک تراشی نگاه‌ها باید بگوییم که زنده یاد جلال دارای تنوع بوده و قالب‌های مختلفی را به کار گرفته است. این مسأله نشاندهنده وسعت مشرب هنری اوست، همانگونه که ترجمه او از آثار خارجی مانند: فداها اثر داستایوفسکی و بیگانه و سوءنظام اثر آلبر کامو و دستهای آلوده اثر ژان پل سارتر و بازگشت از شودوی اثر آندره ژید و کرگدن



اوژن یونسکو بیانگر آن چیزی است که پیشتر با عنوان «وسعت مشرب هنری» از آن یاد شد.

۲- نثر جلال از دیدگاه بافت اندامهای آن (واژگان و پیوند آنها با یکدیگر) یا به قول دستور نویسندگان «نحو».

گفتیم نثر جلال از این بابت نثر گویشی یا محاوره‌ای است که ریشه در نثر ساده دوره قاجاریه دارد و در تقسیم دیگر زنده ریگ «مرده ریگ» جناب جمالزاده است.

ویژگیهای این نثر عبارتند از:

الف: پرهیز از هرگونه صنایع و آرایشهای لفظی. یعنی، در نثر محاوره‌ای و نثر جلال نباید به دنبال سجع و تجنیس و موازنه و غیره بود؛ اگر موردی از این بابت دیده شود، تصادفی یا برای نقل قول یا طنز خواهد بود.

ب: ایجاز و اختصار: ایجاز و اختصار در پی عدم کاربرد آرایشهای لفظی خود به خود پیش می‌آید؛ زیرا اطناب نتیجه مستقیم آرایشهای لفظی است. باید گفته شود این ایجاز مانع از توصیف صحنه‌ها و شخصیتهای به کار رفته در اثر نمی‌شود. مقطع بودن عبارتها به‌ویژه در گزارشها و مقاله‌های جلال به‌طور کامل به چشم می‌آید. خود جلال نیز به این ایجاز اشاره‌ای کرده و معتقد است که سعی کرده ایجاز زبان گلستان سعدی و خواجه عبدالله انصاری را به دور از صنایع لفظی به کار برده، مانند: بدیش اینه که بر فرضم خودمو لو بدم و یا چمدونم رو بگردند و چیزی توش پیداش کنند، به زندونم که نمی‌فرستند. به هر کلکی شده چیزی ازم تلکه می‌کنند و باز ولم می‌کنند.

پ: توصیف: توصیف صحنه‌ها و شخصیتهای به کار رفته در حقیقت هیئات ارزنده ابوالفضل بیهقی در نثر فارسی است، (داستان بردار کردن حسنک و زین) در تاریخ بیهقی از نظر توصیف سرآمد نثر توصیفی بیهقی است. آقای محمدعلی جمالزاده از بابت توصیف به نثر بیهقی بازگشته است. صادق هدایت در حاجی آقا به زیبایی سنگ تمام گذاشته است. جلال در توصیف صحنه‌ها تا اندازه زیادی در این مسیر گام برداشته. لازم به یادآوری است که در داستان و نوول بررسی و کاوش حالتهای روانی و توصیف آنها از ویژگیهای اصلی به‌شمار می‌رود. آل احمد به توصیف حالات روانی قهرمانان داستانهایش و کاوش و بررسی آنها کمتر پرداخته است. به گفته آقای براهنی «و نیز در مقابل هدایت آل احمد را داریم با نثری که به مراتب بهتر از نثر هدایت است و شاید بهترین نثر معاصر است ولی حیف که این نثر زیاد در خدمت بررسی درونی شخصیتهای داستان قرار نمی‌گیرد. اگر بوف کور درونگرایی محض است مدیر مدرسه برونگرایی محض است.»<sup>۷</sup>

ث: ساده و عامیانه و شکسته شدن زبان: در نثر جلال سادگی زبان تا آنجا پیش می‌رود که حتی برخی آن را از نظر این سادگی با ناصر خسرو و بیهقی مقایسه کرده‌اند و طنین نثر آن دو بزرگوار را در نثر جلال یافته‌اند.<sup>۸</sup>

سوء تفاهم

نهمین  
نسخه

جلال‌الاحد

نون والقلم

عینی در عیقات

خاک در تنبیه خلیج

سرگذشت کندوها

از زنجی که می‌بوم

داستانهای عشق‌باز

پنج داستان

جلال‌الاحد



نثر جلال ساده و دلچسب است و عامیانه. جلال حتی بیشتر از هدایت در شکستن واژگان و محاوره‌های کردن آن پیش می‌رود، مانند احمد محمود است در نوشته‌هایش.

این نوع از نثر زیبایی‌هایی دارد از آن جمله، ارتباط عاطفی را میان خواننده و نویسنده سریعتر و قویتر برقرار می‌کند. ولی مشروط بر آنکه خواننده زبان و لهجه‌اش همان زبان و لهجه باشد. نوشتن به لهجه مردم تهران برای مردم تهران دلنشین ولی برای اهالی سایر استانهای کشور که لهجه‌های دیگر دارند دشواری را به وجود می‌آورد و آن ارتباط عاطفی را ضعیفتر می‌کند. نثر ساده و محاوره‌ای و شکسته جلال مانند:

«آگه من مدیر مدرسه بودم و همیشه اتفاقی می‌افتاد شبکم خودمو پاره می‌کردم. خجالت بکشم مردا پرو استعفا بده. تا اهل محل تریختن نیکنکات کنند دوتا گوشو ورده‌او دررو. بچه‌های مردم میان اینجا درس بخونن و حسن اخلاق. نیان که...»<sup>۱۸</sup>

و محاوره‌های شدن زبان تغییرات لفظی زیر را پیش می‌آورد:

۱ - تبدیل فعل ربطی است به (ه): از ویژگی‌های نثر محاوره‌ای یا لهجه تهرانی این است که فعل ربطی است و به (ه) تبدیل می‌شود و جلال نیز در نثر خود همین راه را می‌پیماید. نباید گمان شود که پاره‌ای از فعلها با این روش به صفت مفعولی بدل شده‌اند، نه چنین نیست؛ زیرا در صفت مفعولی فعل ربطی یا معین محذوف است، ولی در چنین افعالی (ه) همان فعل ربطی و معین است. بهترین دلیل آن که (ه) یاد شده در سایر کلمه‌ها هم به معنی فعل ربطی است و تنها ویژه فعل نیست مانند: «نترس پاپا» کاریت ندرام، تقصیر آقا معلّمه که عکس هارو داده»<sup>۱۹</sup>

«برای من فرقی نمی‌کنه که اون دوتا چه جور فرار کردند. این مهمه که او مثل ما بی غیرتها»<sup>۲۰</sup>

«دوقورت ونیمش باقیه»<sup>۲۱</sup>

۲ - تبدیل (د) شناسه سوم شخص در فعل مضارع: به هنگام محاوره‌ای و شکسته شدن زبان، ضمیر سوم شخص مفرد مضارع (د) به (ه) بدل می‌شود مانند:

«آب می‌خواهی سیگار نمی‌کشی مثل این که خوابت نمی‌بره... ها»<sup>۲۲</sup>

«فکر می‌کنم خوب بشه این کارو کرد. همچی نیست؟»<sup>۲۳</sup>

و اسامی خاطر من نیست که دلسوزی می‌کنه می‌خواد دخترشو به پام بندد و منو خوننه‌شین کنه»<sup>۲۴</sup>

۳ - تخفیف فعل و سایر کلمه‌ها: یکی دیگر از ویژگی‌های نثر محاوره‌ای تخفیف فعل و واژگان دیگر است همچون: «می‌دونم که سرزنشتم خواهید کرد. می‌دونم خیلی دلتون... می‌خواد نصیحتم کنید که این کارو ول کنم»<sup>۲۵</sup> می‌خواستم بگم شما خیلی خوب می‌تونید ایمان شکسته شده‌تونو روی

از خودگذشتگی آدمهایی که هودم در گوشه و کنار مملکت رنج می‌برند بنا کنید»<sup>۱۷</sup> «خداکه پشیمون نشند»<sup>۱۸</sup>

۱ - در زبان محاوره نوعی معادل واوی دیده می‌شود یعنی حرف (الف) به حرف (واو) میل داده می‌شود که البته جزه لهجه مرکز ایران به‌شمار می‌آید، مثل:

«دیدید آقا چطور باهامون رفتار کردند»<sup>۱۹</sup> و «خداکه پشیمون نشند»<sup>۲۰</sup>

«فکر می‌کنم خوب بشه این کارو کرد. همچی نیست؟»<sup>۲۱</sup>

ث - اِتیاع: یکی از ویژگی‌های نثر محاوره‌ای بهره جستن از اِتیاع است. به کار گرفتن واژگان مهمل در معنی کلمه هم‌نشین آن را اِتیاع گفته‌اند که سه نوع است: هر دو واژه هم‌نشین مهمل‌اند مانند: هارت و پورت. ۲. کلمه اول معنی دار و کلمه دوم مهمل است مانند: آنم و تخم.

۳ - کلمه اول مهمل و کلمه دوم بامعنی مانند: آت و آشغال:

«سر طایفه ما هم زیادی کاسه بشقاب مسی و پینتی‌هایشان را چیده بودند یا از این جور خرت و خورت‌های زندگی»<sup>۲۲</sup>، «حشش را بخواهید خدا پدر ریش سلیدها و پیر و پاتاله‌های محل را بیامرزد که اگر دیر جتیده بودند کار از کار گذشته بود»<sup>۲۳</sup>

«همین جوری بود که شهر دو روزه سوت و کور، شد.»<sup>۲۴</sup>

ج - همگونی واژگان: در نثر محاوره‌ای و در نثر آ‌احمد برای تأکید عامیانه کلمه‌ای که تکیه سخن بر روی آن است تکرار می‌شود که به آن همگونی واژگان نام می‌دهیم، مانند: «من دمی هم دوقورت ونیمش باقیه»<sup>۲۵</sup>، «دوتا زن چهار تقازی باهم هرهر و کرکره، می‌کردند»<sup>۲۶</sup>، «دامن پیراهن پاره پاره‌ای کمی بالا رفته بود»<sup>۲۷</sup>

د - اِتیاع: صوت به ویژه به صورت همگونی آن در نثر محاوره‌ای جلال نقشی بسزا دارد در نثر معاصر و همچنین در شعر، صوت یکی از اجزای سخن به‌شمار می‌آید و زیبایی ویژه‌ای به آن می‌بخشد نثر جلال نیز از این ویژگی برخوردار است مانند:

«ششی‌ها در گوش هم پیچ‌پیچ، می‌کردند»<sup>۲۸</sup>، «پارو از عقب‌سرم من من می‌کرد»<sup>۲۹</sup>، «داشت هوار هوار، می‌کرد که من از راه رسیدم»<sup>۳۰</sup>

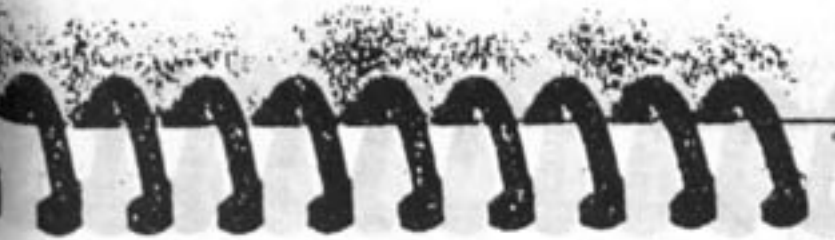
ح: به کار بردن اصطلاحها و کلمه‌های عامیانه: به کار گرفتن چنین شیوه‌ای نثر را به کلی محلی و لهجه‌ای می‌سازد به طوری که فهم آن برای فارسی‌زبانان سایر مناطق بدون بهره گرفتن از فرهنگ خاص واژگان و اصطلاحها دشوار و گاهی ناممکن می‌نماید؛ ولی برای هم‌زبانان به بهترین وجهی مطلب را القاء می‌کند مانند:

«دنگم گرفته بود قد باشم»<sup>۳۱</sup>، «ته دلم قرص‌تر از این‌ها بود»<sup>۳۲</sup>،

«درخانه قلم صراط بود»<sup>۳۳</sup>

خ: ساده شدن فعل و فرار گرفتن آن در پایان جمله: یکی از ویژگی‌های نثر





آل احمد آن است که پیوسته فعل را در پایان جمله می آورد و ارکان جمله را سر جای خود قرار می دهد. خیلی کم دیده می شود که جلال برای تأکید بخش از جمله، آن قسمت را در آغاز قرار دهد کاری که نویسندگان در گذشته انجام می دادند. درباره ساده شدن فعل هم باید گفت که این ویژگی نثر محاوره است که در آن از افعال قدیمی مثل: مقاربه، نیشابوری، افعالی با (ی) مجهول و (ب) تأکید بر سر فعل منفی و فعل استمراری یا جزء پیشین (می و همی) خبری نیست همچون: «دو روز پیش، اولین باری که کنار دریا آمده بودم، هوا آرام بود و در پلاژ باپلسر جمعیت وول می زد. هیچ جای نشستن نبود. همه جا حصیری انداخته بودند و اگر توانسته بودند سایبان سفید و پارنگینی هم از کویه دارهای لب دریا گرفته بودند.»<sup>۳۳</sup>

د. کنایی شون زبان: در نثر محاوره، کنایه نقش ویژه ای را دارد زیرا مردم امروز یاد گرفته اند که مطالب خود را در قالب کنایه بیان کنند. بدین جهت نثر جلال پر از کنایه های شیرین و آشنا در جامعه است، همچون: «دلشان شور خانه و زندگیشان را می زد»<sup>۳۴</sup> «نان به نرخ روز خور است»<sup>۳۵</sup>، «بزرگترین بدبختی ما این است که به خون به دوشی عادتمون شده»<sup>۳۶</sup>

ن: پیوستن حروف اضافه به ضمایر (م - ت - ش - مان - تان - شان) این نوع از ترکیب ها در گذشته کمتر سابقه داشته ولی در نثر امروز بسامدی فراوانی را داراست برای نمونه «منم هرچه بهش می گفتم بابا خیال زورخانه را از کلمات پدر کن فایده نداشت»<sup>۳۷</sup>، «به این علت ازش طلاق گرفتم»<sup>۳۸</sup>، «بگذارید براتون تعریف کنم»<sup>۳۹</sup>

س: «مضمون البطلان»<sup>۴۰</sup> از آثار جلال در نثر محاوره ای و در شعر معاصر جای بسزا دارد یکی از زیبایی ها و ملاحظت نثر معاصر در کاربرد ضرب المثلهای عامیانه است که از این بابت جلال نیز به چاشنی زدن یا نمک پاشی بر نثر خود علاقه می ورزد مانند:

«نان امثال خودش را آجر کنند»<sup>۴۱</sup>، «بیه، تاخیر حقوق را به تنم مالیدم»<sup>۴۲</sup>، «دندانهای مرا شمرده بود».

۳- بررسی آثار آل احمد از دیدگاه درونمایه و محتوای آنها: آثار جلال از این بابت همگی جزء ادبیات تعلیمی به شمار می آید. ادبیات تعلیمی هم از نوع خیر و اخلاق و هم از نوع علم و حقیقت که دو شاخه ادب تعلیمی است. در شاخه نخست محور بیشتر آثار جلال اخلاق و اجتماع است، مجموعه داستانهای کوتاه<sup>۴۳</sup>، پیامهای اخلاقی و اجتماعی را در بردارد و می خواهد با کژتابیهای سیاسی و اجتماعی بسنجد. از این روست که گفته ای: «داری قلمی پر احساس و پر خاشاک و تندروست»<sup>۴۴</sup>. فرهنگ ایران و اسلام را دوست دارد و در دل به آنها عشق می ورزد با هرچه که با فرهنگ اصیل او در ستیز باشد، مخالفت دارد. غریزدگی سند گویای این مدهاست و در حقیقت سفارشی بر بازگشت به آغوش فرهنگ خانواده شرق و ایران و اسلامی است.

آندره ژید  
بازگشت از شوروی  
جلال احمد

اوزن بونسو  
لشکی و گشتی



مآبده های زبانی



فشارباز



کرامان  
اوزن بونسو

جلال ریشه در خانواده‌ای روحانی و مذهبی دارد یکی از مایه‌های ادبی او را مذهب تشکیل می‌دهد؛ چه آنهایی که در مبارزه با خرافات و کژتابیهای باز بسته شده بر مذهب است و چه آنهایی که به‌طور مستقیم تقدیر از مایه‌های مذهبی است. البته هیچگاه در مورد دوم نیز از نقد که حرفه اصلی قلم اوست غافل نمی‌ماند. حتی در میثاق بازگو و مؤید این نظر تواند بود. با آنکه این کتاب یک سفرنامه و مربوط به شاخه علم و خیر از ادب تعلیمی است، اما گام به گام با نقد و بررسی همراه می‌شود. گاهی نکته‌های مذهبی تحلیل می‌گردد و گاه آنچه را که استعمار و شرکتهای نفتی بر سر عربستان آورده‌اند گوشزد می‌کند. در داستانهای کوتاه جلال دو دیدگاه مبارزه با مایه‌های منفی که انگلهایی روییده بر دین و مذهب است و بزرگداشت سنتهای اصیل اسلامی و فرهنگ به چشم می‌خورد. داستانهایی مانند سجاده، چهل تن، از وقتی که فاسم گم شده، وحیل بر پنجه فولاد تم‌های مذهبی محور داستان است به ادعایی: «در داستان چهل تن نکات تشایی با واقعه کربلا پیدا می‌شود»<sup>۱۱</sup> نخستین قصه‌ای را که جلال رقم زده عنوان زیارت دارد و نشاندهنده تأثیر مذهب در جان اوست. در دید و بازدید، سه تاره، زن زیادی، مایه‌های منفی مذهبی به طنز گرفته می‌شود و این آثار به وضوح بازگوینده دوره چاپ‌گرایی جلال است. درخور توجه آن که حتی در نوشته‌های خبری او مانند «یزد، شهر یادگیرها» آرزوی بازگشت به فرهنگ اصیل این آب و خاک موج می‌زند و دل را متأثر می‌کند.

جلال معنم بود و معنم نیست. بنابراین بررسی امور تربیتی و آموزشی را حق نبود من دانست. «مدیر مدرسه - سه مقاله دیگر» نمایانگر ویژه این بُعد از شخصیت جلال است. مسائل و مشکلات آموزش و پرورش موشکافانه در این دو اثر نقد شده است، البته با لحنی طنزآمیز، چه طنز پچاشنی قلم جلال است.

در باره نقد و اجتماع در آثار جلال باید گفت که «زن زیادی» نقدی بر وضعیت حزب چپ‌گرایی «توده» در ایران است و تحلیلی از اوضاع این حزب در آن سالها. کتاب «از رنجی که می‌بریم» نیز بی‌ارتباط با حزب یاد شده نیست و اعمال دورانی را دربر دارد که جلال به حزب توده پیوسته بود. داستان سرگذشت کندها نیز که اثری تمثیلی و سمبولیک است در ارتباط با نهضت ملی شدن نفت ایران به‌وسیله شادروان دکتر محمد مصدق نخست‌وزیر ملی ایران به رشته تحریر درآمد.

«تون و القلم» به باورم بهترین اثر جلال است. در همین مایه نقد و داستان بوده، شکست چپ‌گرایان ایران را با زبان سرگذشت کندها یعنی، زبان رمز و تمثیل باز می‌نماید. در این دو اثر از ستم اجتماعی زمان و بی‌قانونی و بی‌عدالتی حکومت‌های وقت و فساد آنان پرده برمی‌دارد. اضافه می‌کنم، در اصل آکا محمد یکی از پرجمع‌داران دلسوخته و راستین مبارزه با فساد و





ستمگری است، قلمش، شمشیر برندهٔ تقد است. چه در قصه‌ها و چه در گزارش‌هایش هیچگاه از این امر غفلت نمی‌ورزد.

تقریباً زمین چیزی در ماه‌های مدیر مدرسه و ادامهٔ منطقی آن به‌شمار می‌رود. در این کتاب به نقد اجتماعی و اقتصادی روستاهای ایران می‌پردازد و ستم مضاعفی را که بر این بخش از لایه‌های اجتماعی رفته رقم می‌زند.

در خدمت و حیانت روشنفکران اوج برندگی تیغ جلال را در نقد به نمایش می‌گذارد. به گمانم در امر نقد اجتماعی، جلال در این کتاب بیشتر از بسیاری از نوشته‌هایش سنگ بر سینه می‌زند و با صراحت بیشتری که از ویژگی زبان و

قلم اوست پرده از تزویر لایه‌های بالای اجتماع و سیاست برمی‌دارد. دستهٔ دوم از نوشته‌های آل‌احمد گزارش‌ها و گشت و گذارهای او در گوشه و کنار این سرزمین مقدس و پهناور است تا نشانه‌های بلوکت زهره در بیم خلیج - جزیرهٔ خارک، اودانان، برده شهر بادگیرها مقاله‌های تحقیقی جلال می‌باشد. در این مقاله‌ها بیشتر توجه به جغرافیای سیاسی مبذول می‌شود بنابراین با نقد و تحلیل که شیوهٔ مورد علاقه نویسنده است جوش خورده و دلشین شده است. حتی سفرنامهٔ «حسن در میقات» نیز در این راستا و مبک رقم خورده است.

- ۱- سبک شناسی بهار، دفتر دوم، ص ۴ و ۵.
- ۲- فن نثر در ادب فارسی، دفتر اول، ص ۵۳ - ۶۰، تألیف دکتر حسین خطیبی، مطبوعات فرهنگی.
- ۳- از صبا تا نیما، دفتر دوم، ص ۲۷۹ - تألیف یحیی آرین‌پور.
- ۴- تلخیص از کتاب ادبیات نوین ایران - ص ۱۲۶ تا ۱۲۹ - ترجمه و تدوین یعقوب آژند.
- ۵- فن نثر در ادب فارسی، دفتر نخست، ص ۵۳ - دکتر حسین خطیبی.
- ۶- از رنجی که می‌بریم - ص ۴۹.
- ۷- قصه‌نویسی - ص ۲۹۱ - رضا پراهنی.
- ۸- مدیر مدرسه، ص ۱۱۵.
- ۹- مدیر مدرسه، ص ۵۶.
- ۱۰- از رنجی که می‌بریم، ص ۲۷.
- ۱۱- دید و بازدید، ص ۷۶.
- ۱۲- از رنجی که می‌بریم، ص ۶۹.
- ۱۳- از رنجی که می‌بریم، ص ۴۱.
- ۱۴- از رنجی که می‌بریم، ص ۴۶.
- ۱۵- از رنجی که می‌بریم، ص ۴۴.
- ۱۶- از رنجی که می‌بریم، ص ۴۴.

سوء تفاهم

مبشبه  
نیزه برن

نون والقلم

جلال‌احمد

جلال‌احمد

حسن در میقات

خارک جزیرهٔ خارک

مبشبه

سرگشت کندوها

از رنجی که می‌بریم

نگارنده‌های فرهنگ بهار

پنج داستان

جلال‌احمد

- ۱۷ - مدیر مدرسه، ص ۵۱.
- ۱۸ - مدیر مدرسه، ص ۵۰.
- ۱۹ - مدیر مدرسه، ص ۵۱.
- ۲۰ - از رنجی که می بریم، ص ۴۴.
- ۲۱ - نون و القلم، ص ۱۷.
- ۲۲ - نون و القلم، ص ۲۰.
- ۲۳ - نون و القلم، ص ۱۸۴.
- ۲۴ - دید و باز دیده، ص ۷۶.
- ۲۵ - دید و باز دیده، ص ۳ - ۷۲.
- ۲۶ - دید و باز دیده، ص ۹۰.
- ۲۷ - مدیر مدرسه، ص ۱۶.
- ۲۸ - مدیر مدرسه، ص ۷۴.
- ۲۹ - مدیر مدرسه، ص ۷۳.
- ۳۰ - مدیر مدرسه، ص ۵.
- ۳۱ - مدیر مدرسه، ص ۱۷.
- ۳۲ - مدیر مدرسه، ص ۴۹.
- ۳۳ - از رنجی که می بریم، ص ۷۲.
- ۳۴ - سرگذشت کندوها، ص ۲۶.
- ۳۵ - سرگذشت کندوها، ص ۲۶.
- ۳۶ - غریز دگی، ص ۴۴.
- ۳۷ - ۵ داستان، ص ۱۳.
- ۳۸ - ۵ داستان، ص ۶۹.
- ۳۹ - ۵ داستان، ص ۶۸.
- ۴۰ - مدیر مدرسه، ص ۶۱.
- ۴۱ - مدیر مدرسه، ص ۶۹.
- ۴۲ - مدیر مدرسه، ص ۴۴.
- ۴۳ - Short Story یا Nouvelle

- ۴۴ - بررسی ادبیات امروز ایران، ص ۱۲۳ - دکتر استعلامی.
- ۴۵ - صدسال داستان نویسی در ایران، ص ۶۸ - حسن عابدینی.

